

## عناوین خبرها

- 1 - دیدار هیئت رهبری وزارت امور زنان با رئیس کمیسیون مستقل انتخابات ..... (وبسایت، وزارت امور زنان)
- 2 - ملاقات معین پالیسی و مسلکی وزارت امور زنان با نمایندگان شبکه های مخابراتی ..... (وبسایت، وزارت)
- 3 - مهاجرت و مادری که فرزندش را در بیابان جا گذاشت ..... (سلام و پندار، 26 سنبله)
- 4 - طالبان در میدان وردک مانع رفتن دختران به مکتب می شوند مقامها ..... (صدای امریکا، 22 سنبله)
- 5 - قتل یک دختر از سوی برادرش، به دلیل دوست داشتن پسر مورد علاقه اش ..... (سلام و پندار، 22 سنبله)
- 6 - درگیری میان پولیس و طالبان در لوگر جان یک دانش آموز دختر را گرفت ..... (هشت صبح 25 سنبله)
- 7 - فراموش شدگان بی سرنوشت؛ زنانی که جایی برای رفتن ندارند ..... (اطلاعات روز، 23 سنبله)
- 8 - جمعیت باسواد در افغانستان به ۴۲ درصد رسید ..... (صدای امریکا، 17 سنبله)
- 9 - شواهدی برای اثبات ادعای آزار جنسی گردشگر خارجی در واخان بدخشان پیدا نشد ..... (هشت صبح، 23 سنبله)
- 10 - مرکز آموزش قالین بافی در هلمند ..... (صدای امریکا، 21 سنبله)
- 11 - حمایت هواداران فوتبال کابل از 'دختر آبی' ایران ..... (هشت صبح، 22 سنبله)
- 12 - نجوا عالمی روزنامه نگار افغان برنده جایزه «پیر انگر» سویدن شد ..... (هشت صبح، 26 سنبله)
- 13 - وایولا دوپس نقش میشل اوباما را در یک سریال تلویزیونی ایفا می کند ..... (صدای امریکا، 6 سنبله)
- 14 - خشونت جنسیتی در افریقای جنوبی ..... (صدای امریکا، 30 سنبله)
- 15 - لباس و وسایل شخصی آخرین همسر هیتلر به قیمت 5 هزار دالر فروش رفت ..... (خبرگزاری جمهور، 30 سنبله)
- 16 - تولد نوزاد از بطن مادری که ماهها پیش دچار سکت و مرگ مغزی شده بود ..... (صدای امریکا، 14 سنبله)
- 17 - رکورد حیرت انگیز یک زن؛ از فرانسه تا بریتانیا چهار بار بدون توقف ..... (بی بی سی، 26 سنبله)

## دیدار هیئت رهبری وزارت امور زنان با رئیس کمیسیون مستقل انتخابات:

هیئت رهبری وزارت امور زنان، با حوا علم نورستانی، رئیس کمیسیون مستقل انتخابات، در حضور داشت سید عصمت الله مل، معاون، مسافر قوقندی، منشی، خانم ایوبیلینا روبینسون، کمیشنر بین المللی، مولانا محمد عبدالله، رحیمه ظریفی، اورنگ زیب، حنیف دانشیار، اعضای این کمیسیون، به تاریخ 25 سنبله سال 1398 خورشیدی، در مقر آن کمیسیون دیدار نمود. هدف از این دیدار حمایت و ایستادگی وزارت امور زنان در پهلوی کمیسیون مستقل انتخابات، عنوان گردیده بود. در نخست، خانم نورستانی با ابراز خرسندی از حضور و حمایت هیئت رهبری وزارت امور زنان از کمیسیون مستقل انتخابات، در رابطه به اعلان نتایج انتخابات ولسی جرگه معلومات ارائه نموده افزود؛ "کمیسیون مستقل انتخابات یکی از ارگانهای است که مربوط به مردم است و خانه مردم به حساب می آید و ما متعهد هستیم که با همکاری همکاران داخلی، شما و دیگر نهاد ها، از رای پاک مردم عزیز ما دفاع نموده و از تقلب در انتخابات پیشرو جلوگیری کنیم. یگانه تأکید جدی



این کمیسیون تقویه سیستم بایو متریک است که انشاءالله به زودی حل خواهد گردید".

سپس الحاج دلبر نظری، وزیر امور زنان کشور با اهدای دسته گل، بانو نورستانی را مورد حمایت قرار داده، در رابطه به موضوع صحبت نموده افزود؛ "وزارت امور زنان طبق امضای توافق نامه قبلی خویش مصمم است که در هر گونه شرایط در کنار این کمیسیون ایستاده است و از هیچ گونه تلاش در جهت اشتراک گسترده زنان در انتخابات پیشرو، دریغ نمی ورزد. وزارت امور زنان در مرکز و در ولایات با کمک واحد های دومی خویش حدود 8894 تن از زنان را با محارم شان جهت تلاشی رای دهنده گان در سایت های زنانه، به کمیسیون مستقل انتخابات و وزارت داخله معرفی نموده است و تلاش داریم که ارقام ذکر شده را بیشتر بسازیم".

وزیر امور زنان در ادامه سخنانش تصریح داشت: "سفر هایکه به ولایات داشتیم زنان قریه های دور دست نگرانی داشتند از اینکه آنها اجازه ندارند که تصاویر شان در روز رای دهی گرفته شود، بنأ پیام آن زنان را به شما وسیله شدیم که راه و چاره بی در این مورد بی اندیشید".

در ادامه مولانا محمد عبدالله، به نمایندگی از کمیسیون صحبت نموده افزود: "ما روی جایگزینی سه گزینه در سیستم بایومتریک؛ نشان انگشت، عکس تذکره و عکس خود شخص، کار می کنیم اگر یکی از این گزینه های یاد شده در روز

رای دهی در دستگاه بایو متریک عملی نگردد استیکر رای چاپ نمیگردد و شخص رای دهنده رای خود را استفاده کرده نمیتواند و در ضمن با استفاده نکردن گزینه های فوق شاهد تقلب گسترده از سوی افراد استفاده جو خواهیم بود. بناً تقاضا داریم که وزارت امور زنان و نهاد های نیدخل دیگر به هماهنگی همدیگر در خصوص این معضل آگاهی دهی نمایند که تصاویر رای دهنده بگونه سری باقی خواهند ماند تا باشد از تقلبات گسترده جلوگیری نمایم".

در اخیر وزیر امور زنان، وعده سپرد که تا حد توان در مرکز و ولایات با هماهنگی همدیگر جهت اشتراک گسترده زنان و مردان در انتخابات پیشرو آگاهی دهی و اطلاع رسانی خواهد نمود.

### ملاقات معین پالیسی و مسلکی وزارت امور زنان با نمایندگان شبکه های مخابراتی:

الحاج سپوژمی وردک، معین پالیسی و مسلکی وزارت امور زنان، با نمایندگان شبکه های مخابراتی خصوصی و دولتی افغانستان، جهت فعال سازی شماره رایگان 6767 کال سنتر این وزارت، به تاریخ 3 میزان سال 1398 خورشیدی، در دفتر کارشان ملاقات نمود.

هدف از این ملاقات، بحث روی فعال سازی سیستم E 1 Line کال سنتر، عنوان گردیده بود.



در نخست بانو وردک، ضمن ابراز خرسندی از حضور مهمانان در رابطه به کال سنتر ایجاد شده در وزارت امور زنان معلومات ارائه نموده افزود: "ما تما وسایل کال سنتر مذکور را آماده ساختیم و حالا ضرورت به فعال سازی سیستم E 1 Line کال سنتر خود داریم و از شبکه های مخابراتی که در افغانستان فعالیت دارند تقاضا داریم که سیستم مذکور را بگونه رایگان برای ما فراهم بسازد تا اینکه زنان افغانستان بتواند توسط شماره 6767 به گونه رایگان در رابطه به مشکلات حقوقی شان معلومات اخذ کنند".

سپس نمایندگان شبکه های مخابراتی ضمن ابراز خرسندی از دعوت شان، هر کدام به نوبه خود در رابطه ارائه خدمات شان معلومات ارائه نموده و عده سپردند که تا حد نهایی تلاش میکنند که اگر امکان داشت سیستم مذکور را به گونه رایگان فراهم بسازد و در غیر آن نیز قیمت مناسب را جهت فعال سازی سیستم مذکور برای شماره 6767 ارائه خواهند داشت.

## 1 - مهاجرت و مادری که فرزندش را در بیابان جا گذاشت:

صدف 23 ساله با مادر 65 ساله خسته از جنگ و کشتار افغانستان، به امید زنده‌گی بی بهتر و رسیدن به آرزوهایی که در دل داشتند، روانه کشورهای اروپایی شدند. آنان نخست عزم سفر به ایران کردند؛ راهی که به گفته مادر صدف، دشواری‌های بسیاری به دنبال داشت.

صدف می‌گوید که با تحمل مشکلات بسیاری به ایران رسیدند، اما پیمودن ساعت‌ها با آدم‌های مختلف، آن هم برای دو زنی که هیچ محرمی همراه ندارند، آسان نبوده است.

با دیدن صدف می‌توان فهمید که به گذشته‌های نه چندان دور فکر می‌کند؛ گذشته‌هایی که هیچ‌گاهی نمی‌خواهد به آن زمان برگردد. او دو باره به حال می‌آید، می‌گوید، نیمه‌های شب بوده که از مرز ارومیه ایران به سمت ترکیه حرکت کردند و این شروع ماجرابی دردناک برای این سفر پرخطر بوده است.

صدف می‌گوید، مسیر راه دشوارگذر بوده و شماری که توان پیاده‌روی را از دست می‌دادند، جاگذاشته می‌شدند؛ «این مسافران از فرط خستگی جان‌هایشان را از دست می‌دادند و غذای حیوانات دشت و بیابان می‌شدند.»

صدف مکث کوتاهی کرد، گویا خاطرمی را به یاد می‌آورد. می‌گوید، مادری با آنان همراه بوده که در مسیر راه مجبور می‌شود کودک هشت ماهه‌اش را در جعبه‌یی روی یک صخره بگذارد. به گفته صدف، این مادر پس از آن کودک شیرخواره‌اش را جا می‌گذارد که قاچاقبر هشدار داد، اگر گریه کودکش را ساکت نکند یا او را رها نکند، هر دوی‌شان را در بیابان رها خواهد کرد.

ساعت‌ها پیاده‌روی رمقی برای صدف و مادرش نگذاشته بود. قاچاقبران اما با گفتن این که با گذر از این کوه و آن کوه به خاک ترکیه خواهند رسید، ساعت‌ها آنان را مجبور به ادامه راه کرده بود.

آنان پس از حدود ده ساعت پیاده‌روی به ترکیه می‌رسند. مسافران مجبور هستند تا زمان حرکت به سوی یونان اتاق مسافرخانه‌یی را اجاره کنند. مسافرخانه‌یی که بیشتر به زندان می‌ماند تا جای بودوباش مسافران. صدف در این مسافرخانه با افرادی روبه رو شده است که ماه‌ها توقف کرده بودند و برای تهیه پول قاچاقبران، کار کرده و پول قاچاق را آماده می‌کرده‌اند؛ پولی که هر روز قاچاقبران به میزان آن می‌افزودند.

بالاخره بعد از گذشت یک ماه اقامت در ترکیه، قاچاقبران به آنان می‌گویند که خودشان را برای سفر به یونان آماده کنند. ساعت چهار صبح است که سوار بر قایق‌های بادی، راهی یونان می‌شوند؛ قایق‌هایی که گنجایش 15 تا 20 تن را دارند، اما به جبر دست‌کم هشتاد تن در آن جابه‌جا می‌شوند.

به گفته صدف، قاچاقبر نخست پول قاچاق را گرفته و خودش سوار قایق‌هایی که حالا به نسبت زیادی مسافران سنگین شده است، سوار نمی‌شود و از این به بعد راهنما مسافری می‌شود که بیشتر از همه دل‌وجرات دارد و در گذشته شاید از این مسیر گذشته باشد.

صدف می‌گوید، قایق‌هایی را در این مسیر دیده است که با سوراخ‌شدن غرق شده اند و مسافران شان در آب غوطه ورنند و هنوز زمزمهٔ کودکان و زنان از دوردست‌ها به گوش می‌رسد.

صدف، مادرش و دیگر مسافران سرانجام به آلمان می‌رسند؛ کشوری که روزی رویای رسیدن به آن را داشتند. صدف می‌گوید: «با اولین نظر به این کشور فهمیدم آن چه در موردش فکر می‌کردم زمین تا آسمان فرق دارد؛ کشوری با فرهنگ بیگانه، مردم بیگانه و زنده‌گی بیگانه.»

آنان به اردوگاه مهاجران در آلمان منتقل می‌شوند؛ اما مشکلات هنوز پابرجاست. آشپزخانهٔ مشترک، سرویس بهداشتی مشترک و بدتر از همه کیفیت پایین غذایی که بیشتر وقت‌ها قابل خوردن نیست. ماه‌ها می‌گذرد و بالاخره صدف و مادرش مدرک اقامت در آلمان را به دست می‌آورند. اما مشکلات درست بعد از دریافت اقامت آغاز می‌شود؛ یادگیری زبان بیگانه و پرداخت هزینه‌های مختلف.

او برای پُرکردن شکم خود و مادر کهن‌سالش مجبور می‌شود دست به هر کار شاقه‌یی بزند تا بتواند در پایان هر ماه مالیات و دیگر هزینه‌های بودوباش آلمان را بپردازد.

به گفتهٔ صدف، حس انسان‌دوستی در کشورهای بیگانه وجود ندارد و حتا «مردن روی جاده برای دیگران بی‌اهمیت است.» این زن جوان می‌گوید، بیشتر مهاجران در کشورهای اروپایی از رفتن به این کشورها پشیمان‌اند، اما توانایی برگشت به کشور را ندارند؛ زیرا تمام هست‌بودشان را هزینهٔ رسیدن به این کشورها کرده‌اند و اکنون هیچ آهی در بساط ندارند. صدف و مادرش پس از ماه‌ها گذران در آلمان دل را به دریا می‌زنند و دوباره به افغانستان برمی‌گردند. او اکنون در کابل زنده‌گی می‌کند. تشکیل خانواده داده و زنده‌گی را از صفر آغاز کرده است.

## 2 - طالبان در میدان وردک مانع رفتن دختران به مکتب می‌شوند مقام‌ها:

ریاست معارف ولایت میدان وردک می‌گوید که گسترش ناامنی‌ها و افزایش حملات طالبان در این ولایت، بیش از ۵۰ درصد دختران دانش آموز را از رفتن به مکتب محروم ساخته است.

به گفتهٔ مقام‌های محلی بیشتر دختران در این ولایت پس از صنف شش مکتب را ترک می‌کنند.

طیب منصور، رییس معارف ولایت میدان وردک روز جمعه ۱۳ سپتمبر (۲۲ سنبله) به صدای امریکا گفت: "تشدید جنگ منجر به این شده که در بعضی نقاط مکاتب زیر تهدید باشند و در بعضی مکاتب ما که در ساحات زیر کنترل طالبان اند دختران از دورهٔ لیسه از سوی طالبان منع شده و به مکتب رفته نمی‌توانند".

آقای منصور افزود که آمار دقیق دختران دانش آموز که به دلیل ناامنی و تهدیدات طالبان از مکتب محروم شدند مشخص نیست.

مسوولان این ولایت گفته اند که دختران دانش آموز در این ولایت تنها از صنف اول تا صنف شش از سوی طالبان اجازه دارند که به مکتب بروند و پس از آن به دلیل تهدیدات طالبان و محدودیت‌های خانودگی از آموزش باز می‌مانند.

در سطح ولایت میدان وردک ۴۸۴ باب مکتب ابتدایی، متوسطه و لیسه هم اکنون به روی دانش آموزان باز است که حدود ۱۴۸ هزار دانش آموز دختر و پسر در آن آموزش می‌بینند.

بر اساس آمار ریاست معارف میدان وردک، تنها حدود ۴۰ هزار این دانش آموزان را دختران تشکیل می‌دهند.

ریاست معارف میدان وردک می‌گوید که در کنار ممانعت دانش آموزان دختر از دوره لیسه توسط طالبان، معلمان زن نیز در ساحات تحت کنترل این گروه از تدریس منع شده اند

در همین حال، شورای ولایتی میدان وردک وضعیت امنیتی در این ولایت را نگران کننده عنوان کرده و می‌گوید که در بیش از ده سال اخیر در ولسوالی‌های سیدآباد، نرخ، چک، جغتو و برخی ولسوالی‌های ناامن دیگر این ولایت، هیچ دختری از مکتب فارغ نشده است.

احمد جعفری، یکی از اعضای شورای ولایتی میدان وردک گفت: "این وضعیت نگران کننده است. در ساحات تحت کنترل طالبان مثلاً ولسوالی‌های نرخ، جغتو، چک و سید آباد که طالبان حضور گسترده داشته ما فارغ صنف دوازده از دختران نداشتیم".

با آنکه گروه طالبان هنوز در این باره به رسانه‌ها چیزی نگفته اند، اما باشندگان محل در میدان وردک می‌گویند که "جنگجویان این گروه مخالف رفتن دختران به مکتب اند و این کار را خلاف شریعت اسلامی می‌دانند".

### 3 - قتل یک دختر از سوی برادرش، به دلیل دوست داشتن پسر مورد علاقه اش:

یک منبع محلی در ولایت غور که نخواست هویت‌اش فاش شود به رسانه‌ها می‌گوید، این دختر جوان از سوی برادرش با شلیک «تفنگ شکاری» به قتل رسیده‌است. به گفته منبع، این دختر به علت دوست‌داشتن پسر مورد علاقه‌اش از سوی برادرش کشته شده‌است.

این رویداد به روز سه شنبه گذشته (19 سنبله) در منطقه «ناومجنگل» روستای «قوریغ‌پابین» ولسوالی لعل و سرجنگل ولایت غور رخ داده است. منبع افزود، خانواده دختر در تبانی با باشندگان این روستا، این ماجرا را پنهان کرده و جسد را بدون بررسی پولیس جنایی به خاک سپرده‌اند.

در این حال یک منبع امنیتی نیز به شرط افشان نشدن هویت‌اش به رسانه‌ها می‌گوید که این رویداد را با عبدالله ایوبی، فرمانده پولیس ولسوالی لعل و سرجنگل در میان گذاشته، اما از آن جایی که طرف قضیه از بستگان آقای ایوبی‌ست، از همین‌رو برای بازداشت قاتل هیچ اقدامی نکرده است.

اما عبدالله ایوبی، فرمانده پولیس ولسوالی لعل و سرجنگل می‌گوید؛ تا هنوز گزارش دقیقی از چگونگی این رویداد در اختیارشان قرار نگرفته است.

آقای ایوبی می‌گوید، بررسی‌های پولیس در این زمینه جریان دارد و برای کامل شدن بررسی‌ها «نیش قبر» صورت خواهد گرفت.

ولسوالی لعل و سرجنگل از ولسوالی‌های دور دست و دشوارگذر غور به شمار می‌رود. زنان این ولسوالی هر ازگاهی به علت رسم و رواج‌های ناپسند قربانی خشونت‌های خانواده‌گی می‌شوند.

### 4 - درگیری میان پولیس و طالبان در لوگر جان یک دانش‌آموز دختر را گرفت:

پولیس لوگر می‌گوید که در پی حمله و تیراندازی طالبان بر نیروهای امنیتی در نزدیکی یک مکتب دخترانه در

ولسوالی محمدآغه ولایت لوگر یک دختر دانش‌آموز کشته و یک دانش‌آموز دیگر زخمی شده است. شاپور احمدزی، سخنگوی پولیس لوگر، در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت که این رویداد حوالی ساعت ۸:۳۰ صبح روز دوشنبه، بیست و پنجم سنبله، در نزدیکی لیسه «اناثیه» ولسوالی محمدآغه لوگر رخ داده است. او افزود که ابتدا جنگ جویان گروه طالبان بر نیروهای امنیتی تیراندازی کردند که در نتیجه آن به دو دانش‌آموز لیسه اناثیه ولسوالی محمدآغه تلفات وارد شده است. به گفته او، در حمله متقابل نیروهای امنیتی جنگ جویان گروه طالبان از ساحه فرار کرده اند و درگیری در ساعت اول پس از این حمله پایان یافته است. گروه طالبان نیز اعلام کرده است که در نتیجه حمله راکتی نیروهای امنیتی که به یک خانه مسکونی در ولسوالی محمدآغه لوگر اصابت کرده یک دختر دانش‌آموز کشته شده است. لوگر در جنوب از ولایت‌های ناامن به شمار می‌رود. پولیس لوگر می‌گوید که گروه طالبان پیش از این نیز حمله‌های مشابه را انجام داده که از غیرنظامیان قربانی گرفته است. پیش از این شماری از باشندگان ولسوالی محمدآغه دروازه دست‌کم ۱۲ مکتب را در این ولسوالی در اعتراض به موجودیت پوسته‌های امنیتی در نزدیکی این مکاتب بسته بودند.

## 5 - فراموش شدگان بی سرنوشت؛ زنانی که جایی برای رفتن ندارند:

یک‌ونیم سال پیش وقتی رقیه اولین فرزندش را در بامیان به دنیا آورد، مورد ضرب و شتم شدید اکبر، شوهرش قرار گرفت. البته کاسه‌کوزه شکستن‌های گاه و بی‌گاه و داد و فریادهای صبح و شام اکبر پس از عروسی‌شان آغاز می‌شود، اما پس از آن‌که می‌فهمد نوزاد، دختر است، بدرفتاری و خشونت با رقیه کار همیشگی‌اش می‌شود. سرانجام کار به‌جایی می‌کشد که رقیه برای فرار از مرگ، با دختر کوچکش به خانه‌ی پدر پناه می‌برد. هفت سال پیش، وقتی پدرش مینه را در بدل هفت‌صد هزار افغانی به عقد مردی ۵۱ ساله درآورد، او هرگز نمی‌دانست که شوهرش دو زن دیگر نیز دارد. زنانی که هر کدام سه-چهار فرزند داشتند و در نبود شوهرشان، مینه را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند. هنوز سه ماه از عروسی مینه ۲۱ ساله و شوهر ۵۱ ساله‌اش نگذشته بود که خشونت و محدودیت علیه او شدت گرفت. پرتاپ پیاله‌هایی چای داغ، ضرب و شتم با سیم برق و چوب و اجبار قطع رابطه با خانواده‌ی پدرش، بخشی از خشونت‌ها بوده است. دوونیم سال قبل وقتی مینه امیدش از ادامه‌ی زندگی مشترک قطع می‌شود، دست دو کودک خردسالش را می‌گیرد و از خانه‌ی شوهر به خانه‌ی پدر پناه می‌برد. زندگی مینه، داستان مشترک زنانی زیادی است که نه توانایی مبارزه و دادخواهی دارند و نه هم جایی در قوانین افغانستان.

زنان زیادی در افغانستان تحت تاثیر سنت زدگی و عرف‌های اجتماعی مردسالارانه سال‌ها بی‌سرنوشت می‌مانند و بلاتکلیف زندگی می‌کنند. طبق آمار کمیسیون حقوق بشر، روزانه به‌طور متوسط پنج تا ۱۰ زن بی‌سرنوشت شبیه مینه به این کمیسیون مراجعه می‌کنند.

بر اساس قانون مدنی افغانستان زنان بی‌سرنوشت حق جدایی از شوهرانشان را دارند، اما بیشتر این زنان به دلیل بی‌سوادی، ناآگاهی از حقوق‌شان و عدم دسترسی به نهادهای عدلی و قضایی، تا آخر زندگی، تنها و بلاتکلیف می‌مانند. سمیرا سادات، فعال اجتماعی می‌گوید که تعداد زنان بی‌خانمان کم نیست و بارها به آن‌ها برخورد کرده و کمک‌هایش به دلیل نبود حمایت‌های دولتی به‌جایی نرسیده است.

یک ونیم سال پیش وقتی رقیه اولین فرزندش را در بامیان به دنیا آورد، مورد ضرب و شتم شدید اکبر، شوهرش قرار گرفت. البته کاسه‌کوزه شکستن‌های گاه و بی‌گاه و داد و فریادهای صبح و شام اکبر پس از عروسی‌شان آغاز می‌شود، اما پس از آن‌که می‌فهمد نوزاد، دختر است، بدرفتاری و خشونت با رقیه کار همیشگی اش می‌شود. سرانجام کار به‌جایی می‌کشد که رقیه برای فرار از مرگ، با دختر کوچکش به خانه‌ی پدر پناه می‌برد.

"شوهر معنادم تمام پول و طلایم را گرفت و مصرف کرد. در خانه نان برای خوردن نداشتیم. حالا می‌گویم که نه طلاق می‌دهم و نه به خانه‌ام می‌آورم. حالا بلاتکلیف هستم و نمی‌دانم آینده‌ی من و دخترم چه خواهد شد".

بر اساس تحقیق کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، در جریان ۹ ماه سال ۹۷، بیش از یک هزار و ۵۰۰ زن بی‌سرنوشت برای دادخواهی به این کمیسیون مراجعه کرده‌اند. این زنان بیشتر در مناطقی زندگی می‌کنند که نسبتاً امن است و میزان دسترسی‌شان به نهادهای حقوق بشری و به ویژه کمیسیون حقوق بشر نسبت به دیگر مناطق افغانستان بیشتر فراهم است. سهیلا ده سال می‌شود که عروسی کرده، اما در خانواده‌ی والدینش زندگی می‌کند. شوهرش هشت سال پیش بدون این‌که آدرس و نشانی از خود به‌جا گذارد، او را ترک کرده است. او دو سال با خشونت‌های شوهرش زندگی کرده و حالا مجبور است سال‌های نامعلومی تنها زندگی کند و انتظار بکشد تا شاید طلاقش را بگیرد.

"همسایه‌ها می‌گویند که او به استرالیا رفته است. از او هیچ نشان و آدرسی ندارم. خانواده‌اش هم حاضر نمی‌شود که آدرس یا شماره تماسش را برایم بدهد".

بر پایه تحقیق کمیسیون حقوق بشر، بی‌سرنوشتی زنان رابطه‌ی مستقیم با اعتیاد شوهران، چندهمسری شوهران، غیبت شوهران، عدم پرداخت نفقه، ازدواج‌های اجباری و زیر سن، فرار از منزل و عرف و سنت‌های دست‌وپاگیر اجتماعی دارد. بخشی از این زنان که کس و کاری ندارند، به دلیل نبود حمایت‌های دولتی و اجتماعی، روی جاده‌ها می‌مانند و هم‌روزه خشونت‌های بدتری تجربه می‌کنند.

سمیرا سادات، فعال اجتماعی می‌گوید که تعداد این زنان بی‌خانمان کم نیست و بارها به آن‌ها برخورد کرده و کمک‌هایش هم به‌جایی نرسیده است.

"خریدها را داخل موتر ماندم که چشم افتاد به گوشه‌ی خیابان. زنی تلوتلوخوران نقش زمین شد. رفتم به کمکش. نامش را فاطمه گفتم. از ایران آمده بود تا خارج برود. به نزدیکترین حوزه پولیس انتقالش دادیم".

خانم سادات می‌گوید که حوزه پولیس از تحویل گرفتن این زن بی‌خانمان خودداری می‌کرده و پس از بارها تماس به‌مقام‌های ارشد وزارت داخله، حوزه پولیس مجبور شده، زن را تحویل بگیرد.



«با هزار جنجال زن را تحویل پولیس دادیم و با دوستم به سمت خانه آمدیم. در راه به وحشتی که در این شهر جریان دارد، فکر کردیم. به زنانی که این چنین روی خیابان می‌مانند و هیچ دستی نیست که آنان را یاری کند. به راستی این‌جا کجاست و چه کسی پاسخ‌گوست؟»

لیلا حیدری، فعال اجتماعی می‌گوید هر از گاهی افرادی به او مراجعه می‌کنند و از وجود زنان بی‌خانمان خبر می‌دهند. او روزی دختر بی‌خانمانی را به نام لیلما از روی جاده پیدا می‌کند. لیلما مورد خشونت شدید فیزیکی و روانی قرار گرفته بود: "مشکل دماغی پیدا کرده بود و مورد تجاوز خشونت‌بار مکرر قرار گرفته بود. او بیشتر می‌گفت که از سوی پولیس و دست‌فروش‌ها مورد تجاوز قرار گرفته است".

دولت افغانستان برای زنان بی‌خانمان و بدون سرنوشت جای و مکانی برای نگهداری و حمایت از آن‌ها ندارد. در سراسر افغانستان تنها ۲۷ خانه امن فعالیت دارد که با کمک مستقیم کشورهای خارجی ساخته شده و یا حمایت مالی می‌شود. حالا در حدود ۸۰۰ زن در خانه‌های امن نگهداری می‌شود. خانه‌های امن تنها معدودی از زنانی را که مورد خشونت قرار گرفته و یا در معرض خطر جدی باشند، برای مدتی نگهداری می‌کند.

بر اساس «مقرره مراکز حمایتی زنان» یا خانه‌های امن، وزارت امور زنان مسئولیت دارد تا برای حمایت و تأمین مسئولیت زنانی که مورد خشونت قرار گرفته و یا در معرض خشونت و خطر باشند در تمام ولایت‌های کشور، خانه امن بسازد. این وزارت اما تا هنوز هیچ خانه امنی نساخته است. رویا دادرس، سخن‌گوی وزارت امور زنان می‌گوید که به دلیل نبود بودجه تا هنوز نتوانسته‌اند خانه‌ی امن دولتی بسازند.

خانم حیدری می‌گوید وقتی برای یافتن سرپناهی برای زنان و دختران بی‌خانمان به کمیسیون حقوق بشر، وزارت کار و امور اجتماعی و یا آسایشگاه بیماران روانی (مرستون) مراجعه کرده، موانعی را سر راه او قرار داده‌اند که در نهایت این زنان سرپناهی نیافته‌اند.

"می‌گویند عملاً جان‌شان باید در خطر باشد، خودشان از کسی شاکمی باشند. سرپرست و شناس‌نامه داشته باشند تا برای‌شان جای داده شود. افراد بی‌خانمانی که من گاهی با آن‌ها مواجه می‌شوم، نه شناس‌نامه دارند و نه فامیل و آشنایی. به دلیل همین موانع، این زنان جایی نمی‌یابند و روی جاده می‌مانند".

زنان بی‌خانمان هنوز راه دوری در پیش دارند تا دست‌کم صاحب سرپناهی شوند. سخن‌گوی وزارت امور زنان می‌گوید که به‌تازگی طرح ساخت چهار مرکز را در چهار حوزه‌ی کشور برای نگهداری زنان قربانی خشونت، زنان بی‌جاشده، زنان بی‌پناه یا زنانی که خانواده‌های خود را از دست داده‌اند به ریاست‌جمهوری سپرده‌اند: "یک مقدار زمین و بودجه برای ساخت خانه‌های امن دولتی یا خانه‌ی امید، به‌دست آورده‌ایم".

فعالان اجتماعی می‌گویند که زنان بی‌خانمان افغانستان که شمارشان رو به افزایش است در معرض خشونت‌های جدی و تجاوز جنسی قرار دارند. آن‌ها از دولت و به‌ویژه مردم می‌خواهند که با راه‌اندازی کمپین و جمع‌آوری کمک و ساخت آسایشگاه، دست این زنان را بگیرند.

زنان بی‌سرنوشت و بی‌خانمان در قوانین افغانستان تعریف حقوقی روشنی ندارد و به همین دلیل دولت نه برنامه‌ای برای رسیدگی به مشکلات آن‌ها دارد و نه هم خدماتی ارائه می‌کند..

مینه وقتی برای حفظ جان خود و دختران کوچک اش خانه‌ی شوهر را ترک کرد از پدرش یک خواهش داشت که او را دوباره به خانه شوهر برنگرداند. شوهر مینه کودکش را پس از گذشت سه ماه، از او می‌گیرد و حالا بدون این که او را طلاق بدهد در خانه پدرش رها کرده است.

"پدرم نیز با من بدرفتاری می‌کند. می‌گوید شوهر بی‌غیرتت کجاست. اگر برایت نان داده نمی‌تواند باید طلاق ات بدهد. از این وضعیت خسته شده‌ام".

## 6 - جمعیت باسواد در افغانستان به ۴۲ درصد رسید:

وزارت معارف افغانستان گفته است که ۴۲ درصد جمعیت آن کشور با سواد اند که از این میان یک سوم شان زنان استند. مقام‌های معارف افغانستان به تاریخ ۸ سپتمبر (۱۷ سنبله) روز جهانی سواد، گفته اند که جمعیت باسواد آن کشور نسبت به چند سال پیش افزایش یافته است

نوریه زهت، سخنگوی وزارت معارف افغانستان گفت که در یک دههٔ پسین، بیش از یک میلیون شهروند افغانستان از برنامه‌های سوادآموزی بهره‌مند شده اند.

خانم زهت گفت: "استراتژی ملی برای کاهش و امحای بی سوادی را طرح کردیم که این استراتژی تا سال ۲۰۳۰ میلادی ترتیب شده ... ما تلاش می‌کنیم که نرخ سواد در افغانستان را تا سطح ۶۰ درصد برسانیم."

سخنگوی وزارت معارف گفت که ده میلیون شهروند افغانستان بی سواد اند و اکثریت این افراد زنان اند به ویژه زنانی که در روستاها زندگی می‌کنند.

جنگ، ناامنی، حاکمیت عرف‌های ناپسند اجتماعی و فقر اقتصادی از دلایل عمده آمار بلند بی سوادی به ویژه در میان زنان در افغانستان خوانده شده است.

در همین حال، برخی نهادهایی که در راستای حمایت از معارف افغانستان کار می‌کنند، پالیسی‌های حکومت را در راستای بلند بردن شمار افراد با سواد، انتقاد می‌کنند.

حسینه شیرجان، رییس نهاد کمک به معارف به افغانستان به صدای امریکا گفت که در حال حاضر از زنان جوان متاهل در معارف، کمتر حمایت می‌شود حالانکه به گفتهٔ وی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مکاتب ویژه برای آموزش این زنان وجود داشت.

خانم شیرجان با انتقاد از برنامه‌های سوادآموزی و سیستم آموزشی مکاتب گفت که در برخی موارد، فارغین صنوف ۱۲ حتی نمی‌توانند یک متن بسیار کوتاه بنویسند.

افغانستان یکی از جوان‌ترین کشورهای جهان است؛ اما بی سوادی در کنار دیگر چالش‌ها، از مشکلات عمده در میان جوانان افغان نیز است.

## 7 - شواهدی برای اثبات ادعای آزار جنسی گردش گر خارجی در واخان بدخشان پیدا نشد:

هیأت حقیقت‌یاب حکومتی که برای بررسی ادعای آزار جنسی یک زن گردش‌گر خارجی توسط ولسوال واخان بدخشان گماشته شده بود، گزارش داده است که هیچ گونه اسناد و شواهد کافی را مبنی بر اثبات این ادعا دریافت نکرده است.

سیدشاه سقیم، سخنگوی ارگان‌های محلی به روزنامه ۸ صبح گفت که گزارش هیأت حقیقت‌یاب از بدخشان به مرکز رسیده و در آن آمده است که هیچ گونه «اسناد، شواهد و قراین» مبنی بر این‌که ادعای آزار و اذیت جنسی توسط ولسوال بدخشان را به اثبات برساند، وجود ندارد.

او گفت که هیأت پس از سفر به ولسوالی واخان با باشندگان این ولسوالی و دیگر مقام‌های آن صحبت کرده و گزارش‌شان را در این مورد تهیه کرده است.

سخنگوی ارگان‌های محلی اما گفت که تاکنون در مورد سرنوشت ولسوال واخان که وظیفه اش به حالت تعلیق درآمده بود، تصمیمی گرفته نشده است.

وظیفه عبدالمعروف خیرخواه، ولسوال واخان ولایت بدخشان در بیست و پنجم ماه سرطان امسال به اتهام آزار جنسی یک زن گردش‌گر خارجی به حالت تعلیق درآمده بود.

سیدشاه سقیم در آن زمان به روزنامه ۸ صبح گفته بود که به اداره محلی ولایت بدخشان دستور داده شده است تا یک هیأت را برای بررسی این اتهام‌ها بگمارد و به زودترین فرصت صحت و سقم این قضیه را روشن کند. اکنون اما این هیأت از عدم وجود اسناد و شواهد کافی در پیوند به این قضیه خبر داده است.

پیش‌تر گزارش شده بود که یک زن گردش‌گر خارجی که گفته شد، استرالیایی بوده، در جریان امسال از طریق تاجیکستان به ولسوالی واخان بدخشان برای گردش‌گری آمده بود و توسط عبدالمعروف خیرخواه مورد آزار جنسی قرار گرفته است. گفته شده است که این زن پس از بازگشت به تاجیکستان با پولیس سرحدی این کشور از دست ولسوال واخان شکایت کرده است و به دنبال آن این خبر رسانه ای شد.

واخان در بدخشان به دلیل داشتن طبیعت بکر و زیبا یکی از محل‌های تفریحی و توریستی به حساب می‌رود. این منطقه پس از بند امیر بامیان دومین پارک ملی افغانستان معرفی شده است و دارای جاذبه‌های سرشار گردش‌گری است و همین جذابیت باعث شده است که خارجی‌ها نیز برای دیدن واخان، از بلندای پامیر بازدید کنند.

## 8 - مرکز آموزش قالین بافی در هلمند:

زنان بیوه و سرپرست خانواده در مرکز آموزشی توحید در ولایت هلمند، در یک دوره آموزشی سه ماهه، قالین بافی را در یک مرکز یاد می‌گیرند. با وجود که صنعت قالین بافی هنوز در هلمند رایج نیست، اشتراک‌کننده گان این دوره آموزشی از فروش کار هایشان رضایت داشته و سفارش کار های کوچک برای آینده را بدست آورده اند.

## 9 - حمایت هواداران فوتبال کابل از 'دختر آبی' ایران:

شماری از تماشاچیان مسابقات لیگ برتر فوتبال افغانستان در کابل، به یادبود از سحر خدایاری، هوادار فوتبال در ایران که اخیراً در پی خودسوزی درگذشت، پلاکاردهای حاوی نام او را با خود حمل کردند.

سحر خدایاری که در رسانه‌های اجتماعی به "دختر آبی" مشهور شده، به دلیل تلاش برای ورود به ورزشگاه فوتبال در ایران تحت پیگرد قرار گرفته بود.

ورود زنان به ورزشگاه‌ها در ایران ممنوع است و خانم خدایاری تلاش کرده بود در لباس مردانه وارد ورزشگاه شود.

او اخیراً در پی به درازا کشیدن بررسی دوسیه‌اش، دست به خودسوزی زد و پس از آن در بیمارستانی درگذشت.

مرگ این دختر ظرف روزهای اخیر سر و صداهای زیادی بدنبال داشته است. از جمله در کابل، روز گذشته شماری از جوانان در رسانه‌های اجتماعی طرح یادبود از سحر خدایاری را پیشنهاد کردند.

این اعلام حمایت در جریان مسابقات نیمه نهایی لیگ برتر فوتبال افغانستان در کابل صورت گرفت و در جریان آن، شماری از جوانان، به شمول زنان، نام "دختر آبی" را صدا زدند.

رامین مظهر، یکی از جوانان در کابل در صفحه فیس بوک خود با نشر تصویری از جریان مسابقات لیگ برتر فوتبال امروز در کابل نوشته است: "به آرزوی روزی که هیچ انسانی در هیچ جای جهان به خاطر آزادی و حقوق طبیعی‌اش آزار نبیند. به احترام دختر آبی."

فیروز مشعوف، خبرنگار ورزشی که از جریان این بازی‌ها گزارش می‌داد، با پخش تصاویر دخترانی که پلاکاردهای با هشتگ "دختر آبی" را حمل می‌کردند، گفت: "دختران افغان به نشانه همدردی با سحر، آمده اند در حین تماشای مسابقه لیگ برتر از سحر و دختران ایرانی که نمی‌توانند به استدیوم بروند حمایت می‌کنند."



## 10 - نجوا عالمی روزنامه‌نگار افغان برنده جایزه «پر انگر» سویدن شد:

نجوا عالمی، خبرنگار افغان برنده‌ی جایزه امسال «پر انگر» یا «Per Anger Prize» شده است. جایزه «پر انگر» و بین‌المللی دولت سویدن به نجوا عالمی به دلیل مبارزه وی در راستای نهادینه شدن آزادی بیان و حمایت از حقوق زنان، تعلق گرفته است.

سفارت سویدن در کابل اعلام کرده است که جایزه Per Anger به نجوا عالمی در ۱۷ اکتبر سال جاری میلادی در مراسمی که در استکهلم برگزار می‌شود، از سوی وزیر فرهنگ و دموکراسی سویدن اهدا خواهد شد. نجوا عالمی ۲۵ ساله است و در حال حاضر به عنوان خبرنگار در تلویزیون خصوصی زن کار می‌کند. سفارت سویدن گفته است که او با قرار دادن زنده‌گی‌اش در معرض خطر، دیدگاه سنتی مردان را نسبت به زنان به چالش کشیده است.

طبق اعلام سفارت سویدن نجوا عالمی موضوعاتی را پوشش خبری می‌دهد که از سوی خبرنگاران دیگر در مورد آن غفلت می‌شود. این موضوعات شامل مسأله مربوط زنان می‌شود.

بر اساس معلومات سفارت سویدن در کابل، نجوا عالمی به عنوان خبرنگار مورد شلیک گلوله قرار گرفته و تهدید شده است، اما دست از تلاش بر نداشته است.

با این حال، نجوا عالمی گفته است: «من می‌خواهم نشان دهم که زنان می‌توانند در شغلی که برای آن‌ها تابو انگاشته می‌شود، کار کنند. من فهمیدم که اگر بخواهم به زنان در سراسر افغانستان برسم، خبرنگاری سریع‌ترین راه است و می‌تواند به عنوان سکویی برای مبارزه برای حقوق زنان باشد.»

در همین حال، اینگرید لمفورس، رییس انجمن تاریخ زنده‌گی سویدن و رییس هیأت داوران جایزه پر انگر گفته است: «برای ادامه‌ی مبارزه برای حقوق زنان به خاطر دیده شدن و شنیده شدن شجاعت زیادی نیاز است. نجوا عالمی به نسل جدید دختران و پسران افغان امید می‌دهد.»

پر انگر جایزه بین‌المللی دولت سویدن برای حقوق بشر و دموکراسی است. این جایزه در سال ۲۰۰۴ برای یادبود از یک دیپلمات به نام «Per Anger» در که جریان جنگ جهانی دوم جان باخت، تأسیس شده است. انجمن تاریخ زنده‌گی سویدن توسط دولت این کشور مامور شده است تا هر ساله این جایزه را اهدا کند.



## 11 - وایولا دویس نقش میشل اوباما را در یک سریال تلویزیونی ایفا می کند:

وایولا دویس، هنرپیشه و برنده جایزه اسکار در یک سریال تلویزیونی نقش میشل اوباما، بانوی اول پیشین امریکا را ایفا می کند.

در این مجموعه تلویزیونی، زندگی خصوصی و سیاسی همسران روسای جمهور ایالات متحده به تصویر کشیده خواهد شد. آرون کولی، نویسنده این مجموعه تلویزیونی در فصل اول این سریال به زندگی "النور روزولت" همسر فرانکلین روزولت و "بتی فورد" همسر جرال د فورد نیز پرداخته است.

در این سریال نقش همسران روسای جمهور در سیاست برجسته شده و اتفاقات و تصامیم مهم پشت پرده ای که در قصر سفید گرفته می شود، به نمایش گذاشته می شود.

در سال ۲۰۱۶ فلمی از زندگی عاشقانه و خصوصی میشل اوباما و بارک اوباما ساخته شد و "تیکا سامپتر" نقش همسر رییس جمهور اوباما را ایفا کرده بود.

خانم دویس تا کنون سه بار نامزد جایزه اسکار شده و در سال ۲۰۱۷ برنده جایزه بهترین هنرپیشه زن در نقش مکمل را در فلم "حصارها" دریافت کرد.

## 12 - خشونت جنسیتی در افریقای جنوبی: هر سه ساعت یک زن کشته می شود:

دولت افریقای جنوبی خشونت های جنسیتی در این کشور را "بحران ملی" توصیف کرده است.

بر اساس یک گزارش جدید که از سوی دولت افریقای جنوبی تهیه شده، به طور اوسط یک زن در هر سه ساعت به دلیل خشونت های جنسیتی کشته می شود.

در این گزارش آمده که بسیاری از این زنان، قبل از کشته شدن مورد بدرفتاری و تجاوز جنسی قرار می گیرند. اخیرا زنان در افریقای جنوبی نسبت به ادامه خشونت های جنسیتی دست به تظاهرات زدند. یکی از شرکت کنندگان این تظاهرات، سطح خشونت های جنسیتی در افریقای جنوبی را به جنگی تمام عیار علیه زنان این کشور تشبیه کرده است.

تازه ترین موج اعتراضات به خشونت های جنسیتی پس از کشته شدن یک دانشجوی ۱۹ ساله در شهر کیپ تاون ایجاد شده است که از سوی یک کارمند پستی در داخل پسته خانه مورد تجاوز قرار گرفت و بعد به قتل رسید.

آماری که پولیس افریقای جنوبی منتشر کرده، تکان دهنده است: نزدیک به سه هزار زن از ماه اپریل سال ۲۰۱۸ تا ماه مارچ سال ۲۰۱۹ کشته شده اند؛ یعنی به طور اوسط هفت زن در هر روز.

فعالان حقوق زنان از دولت افریقای جنوبی و بخش خصوصی تقاضا کرده اند که پول و منابع بیشتری را در زمینه مبارزه با خشونت های جنسیتی اختصاص بدهند.

رییس جمهور افریقای جنوبی اخیرا در یک نشست فوق العاده پارلمان برای بررسی خشونت های جنسیتی شرکت کرد و از برنامه هایش برای اختصاص بودجه ۶۸ میلیون دالری و نیز وضع سخت گیری های بیشتری در سیستم عدلی و قضایی در برخورد با عاملان خشونت جنسیتی حرف زد.

او هم چنین گفت که برای مبارزه با خشونت جنسیتی، نیاز است تا چارچوب قانونی بررسی خشونت‌های جنسیتی بهبود یافته و زنان از نظر اقتصادی تقویت شوند.

ناظران در افریقای جنوبی باور دارند که سطح آگاهی پولیس از نوعیت خشونت‌های جنسیتی و نیز چگونگی برخورد با عوامل آن به شدت پایین است و این مسله زمینه را برای افزایش خشونت‌های جنسیتی فراهم می‌کند.



### 13 - لباس و وسایل شخصی آخرین همسر هیتلر به قیمت 5 هزار دالر فروش رفت:

شاید باور کردنش سخت باشد اما وسایل شخصی همسر هیتلر با قیمت 5 هزار دالر به فروش رسید. این لباسها از یک مجموعه خصوصی در جنگ جهانی دوم اروپا به دست آمده است.

هویت خریدار بخش هایی از این مجموعه نامشخص است برای مثال یک داوطلب تلفونی ناشناس بخشی از این مجموعه را به قیمت 2600 پوند خریداری کرد.

خانه حراج بریتانیایی هامبرت و الیس همچنین یک کره با روکش طلا را فروختند که متعلق به همسر آخر رهبر نازی بود. اوا براون معشوقه هیتلر و بعدا همسر او شد. او در سال 1945 با هیتلر ازدواج کرد و روز بعد از ازدواج با خودکشی درگذشت. جاناتان هامبرت مدیر این حراج اظهار داشت: "همچنان علاقه مندان به بازمانده های تاریخی از چنین چهره های بسیار مشهور در جنگ جهانی دوم بسیار بالاست و به همین ترتیب چنین مواردی به قیمت های بالا فروش می رود". البته فروش موارد مرتبط با نازی ها در برخی کشورها با محدودیت هایی همراه است. برای مثال فروش یادداشت های نازی ها در انگلستان غیرقانونی نیست، اما برخی از خانه های حراج از فروش چنین اشیاء خودداری می کنند. با این حال برخی خانه های حراج یا مراکز معتبر از فروش اقلام وابسته به هیتلر و خانواده او خودداری می کنند.



#### 14 - تولد نوزاد از بطن مادری که ماه‌ها پیش دچار سکته مغزی شده بود:

داکتران در جمهوری چک توانستند کودکی را از بطن مادری که دچار سکته مغزی شده بود، سالم به دنیا بیاورند. مادر این نوزاد که دختر است، ۱۱۷ روز پیش از تولد وی، دچار سکته مغزی شده بود و در طول این مدت بی‌هوش بود. داکتران می‌گویند که مادر این کودک حدود چهار ماه پیش، زمانی که بی‌هوش به شفاخانه آورده شد، چهار ماه باردار بود. این نوزاد دختر، به گفته داکتران، هنگام تولد ۲,۱۳ کیلوگرام وزن و ۴۲ سانتی‌متر قد داشت که کاملاً رشد طبیعی می‌باشد. داکتران در این مدت، این مادر بی‌هوش را در بخش مراقبت‌های ویژه در درون ماشین قرار دادند تا بتوانند کودک درون بطن‌اش را نجات دهند.

در درون این ماشین حتی پاهای این زن حرکت داده می‌شد تا در مراحل رشد این کودک در درون شکم مادر مشکلی پیش نیاید. این زن جوان ۲۷ ساله بعد از اینکه کودکش تولد شد، در حضور بستگانش از ماشینی که او را زنده نگهداشته بود، بیرون آورده شد و جسدش به بستگانش تحویل داده شد.



#### 15 - رکورد حیرت‌انگیز یک زن؛ از فرانسه تا بریتانیا چهار بار بدون توقف:

زن نجات یافته از سرطان، فاصله بریتانیا و فرانسه را چهار بار پیاپی شنا کرد. زنی که از بیماری سرطان جان سالم بدر برده، تبدیل به اولین فردی شد که توانسته فاصله بین بریتانیا و فرانسه را چهار بار پیاپی، بدون توقف شنا کند.



سارا توماس، سفر حماسی‌اش را بامداد یکشنبه (۱۵ سپتامبر) آغاز کرد و ۵۴ ساعت بعد آن را تمام کرد. این شناگر استقامتی آب‌های آزاد یکسال پیش درمان سرطان سینه‌اش را تمام کرد و این شنا را تقدیم کرد به: "تمام کسانی که از سرطان نجات یافته‌اند".

او پس از این که به ساحل دور در بریتانیا رسید، به بی‌بی‌سی گفت: "حالا بدنم کاملاً بی حس است. افراد زیادی کنار دریا آمده بودند تا من را ببینند و برایم آرزوی موفقیت کنند و این نشان از شخصیت دوستداشتنی آن‌ها بود".  
لوئیس پاگ، شناگر سرشناس آب‌های آزاد نیز در توئیتر نوشت: "درست وقتی که احساس می‌کنیم به آخرین حد توان انسانی رسیده ایم، یک نفر می‌آید و رکوردها را می‌شکند".

یکی باکستر، مادر خانم توماس هم به رادیو بی‌بی‌سی گفت: "من در خیلی از سفرها همراه او بودم اما این یکی با فاصله ترسناک‌ترین بود." خانم باکستر همچنین گفت که دخترش در طول سفر زجر زیادی از دل درد کشید.  
سارا توماس پارسال مشغول درمان سرطان سینه‌اش بود که تیم درمانی به او گفت، شنا می‌تواند به او کمک کند تا با فرآیند درمان بهتر کنار بیاید.

### سرچشمه این شنای استقامت از کجاست؟

اولین حضور خانم توماس در تورنمنتی در آب‌های آزاد سال ۲۰۰۷ بود. او سال ۲۰۱۲ عرض کانال مانس را شنا کرد و سال ۲۰۱۶ هم این کار را تکرار کرد.  
اما خب طبیعی است که این تمام توان او نبود.  
او در گفتگو با جان واشر، فیلم ساز گفت: "وقتی که ۲۰ مایل شنا کردم با خودم گفتم که می‌توانم جلوتر هم برم و می‌خواستم واقعا ببینم که این جلوتر چه معنایی دارد".

اوت ۲۰۱۷ او ۱۰۴ مایل (۱۶۸ کیلومتر) در دریاچه چامپلین در مرز کانادا و آمریکا شنا کرد، اما بعد از آن مشخص شد که سرطان دارد. او تابستان ۲۰۱۸ درمان سرطانش را تمام کرد.

### چقدر شنا کرد؟

خانم توماس فاصله رفت و برگشت از انگلستان به فرانسه را دوبار در ۵۴ ساعت شنا کرد.

مسافت این شنا قرار بود ۸۰ مایل (۱۲۹ کیلومتر) باشد ولی به دلیل جزر و مد کانال این فاصله حدود شصت درصد زیادتر شد و او در واقع چیزی حدود ۱۳۰ مایل (۲۰۹ کیلومتر) شنا کرد. خانم توماس آخرین گام را سه شنبه ساعت ۶:۳۰ روی شن‌های ساحل گذاشت.

خانم توماس گفت وقتی شنایش تمام شد احساس می‌کرد تمام بدنش بی حس شده است

پیش از این تنها چهار شناگر موفق شده بودند که سه بار عرض کانال مانس را بدون توقف شنا کنند و هیچ کس نتوانسته بود چهار بار این کار را انجام دهد.

گرچه خانم توماس در طول شنا بارها توسط عروس‌های دریایی گزیده شد، اما او معتقد است که سخت‌ترین مشکل، کنار آمدن با شوری آب بود: "شوری آب واقعا گلو، دهان و زبان شما را آزار می‌دهد. هر عرضی که می‌رفتم مشکلات خودش را داشت. بار آخر که از فرانسه برگشتم، واقعا سخت بود و یک عروس دریایی صورتم را گزید".

## او چه خورد و نوشید و چگونه بیدار ماند؟

تغذیه خانم توماس، یک مایع پروتئینی همراه با الکتrolیت‌ها و اندکی کافئین برای مقاومت مقابل خواب بود.

مادر او گفت: "این را به طنابی بسته بودیم و هر نیم ساعت یک بار او را صدا می‌کردیم و طناب را به سویش می‌انداختیم."

خانم تامسون با قدم گذاشتن به ساحل اسمش را وارد کتاب رکوردهای دنیا کرد و با انواع شیرینی‌ها جشن گرفت.

